



دانشگاه باقر العلوم (ع)

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی**عنوان :****بیو تکنولوژی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران****استاد راهنما:****حجت الاسلام دکتر نجف لک زایی****استاد مشاور:****دکتر غلامحسین فروغی****نگارش و پژوهش :****صدیقه خراسانی****1387**

چکیده

این رساله به دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی بود که " نقش بیوتکنولوژی در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟" پاسخ احتمالی به سوال فوق این بود که " افزایش توانمندی های اقتصادی، دفاعی و امنیتی منجر به ارتقای امنیت ملی می شود. مزیت های اقتصادی، کشاورزی، پزشکی، نظامی - دفاعی و غیره بیوتکنولوژی باعث می شود جمهوری اسلامی ایران به توانمندی های بالایی برسد که ارتقای امنیت ملی را به دنبال دارد."

با استفاده از چارچوب نظری ساختار - کارگزار به اثبات فرضیه فوق پرداخته شد. برای آنکه کشوری بتواند در عرصه بین الملل بازیگری پرتوان و موثر باشد، باید قدرتمند باشد؛ یکی از مولفه های قدرت توانایی های علمی و تکنولوژیکی است. بیوتکنولوژی به عنوان یکی از هفت دانش صنعتی جهان، موجبات قدرتمندی دارندگان آن را فراهم می کند.

ماهیت چند منظوره بیوتکنولوژی و کاربردهای کشاورزی، پزشکی، زیست محیطی، دفاعی - نظامی آن باعث بهره وری های متعدد اقتصادی و امنیتی می شود که تقویت این ابعاد تحکیم امنیت ملی کشورها را به دنبال دارد.

جمهوری اسلامی ایران، با تعریف اهداف بلند مدت برای خود، قدم در راه توسعه و قدرتمندی گذاشته است. رسیدن به توسعه بلند مدت، بدون استفاده از مزایای بیوتکنولوژی ناممکن است. سودآوری های اقتصادی آن در ابعاد مختلف وجهی از مزیت های بیوتکنولوژی است. ضمن آنکه جنگ های آینده، جنگ های بیولوژیک است که کشورهایی که به دفاع بیولوژیک مجهز نباشند، آسیب پذیری بسیاری دارند.

موقعیت مهم و حساس ایران در منطقه ایجاب می کند که ایران از بیوتکنولوژی و ابعاد متعدد آن، برای قدرتمندی خود استفاده کرده و از فرصت های بین المللی خود سود کافی را برده و محدودیت های بین المللی اش را به حداقل برساند. این قدرتمندی، تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به دنبال دارد.

مقدمه

طرح تفصیلی تحقیق

1- بیان مسئله

"امنیت ملی" از مسائل بسیار مهم در روابط بین الملل، مفهومی پیچیده و چند لایه است که مسائل مختلف بر آن تاثیر گذارند که از مناظر مختلف قابل بررسی است. فن آوری و پیشرفت های تکنولوژیکی تاثیر گذاری مستقیم بر معادلات امنیتی دارند.

بیوتکنولوژی به عنوان یکی از علوم هفت گانه برتر جهان امروز، جای خود را در مسائل مهم پیدا کرده است. کشورها با شناخت این فن آوری، گام های بلندی برای حرکت در مسیر آن برداشته اند و سعی می کنند فاصله خود را با سردمداران بیوتکنولوژی جهان هر چه کمتر کرده و یا از آنان پیشی بگیرند.

مزایای مختلف بیوتکنولوژی در اقتصاد، کشاورزی، پزشکی، نظامی و غیره باعث شده که از مقوله های تاثیر گذار بر امنیت ملی کشورها باشد.

این پژوهش درصدد آن است که تاثیر و تاثیرات بیوتکنولوژی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید. جمهوری اسلامی ایران، در این راه قدم گذاشته و در برنامه 20 ساله کشور به طور مشخص از آن نام برده است. با برنامه ریزی های دقیق می توان در این مسیر پیشرفت، حرکت کرده و از مزایای آن حظ کافی و لازم را به سود امنیت ملی کشور برد.

2- علت انتخاب موضوع

امنیت ملی، یکی از دغدغه های اصلی و همیشگی است. امنیت ملی از مناظر مختلف قابل بررسی است، پیشرفت های تکنولوژیکی امروز تاثیرات مهمی بر امنیت کشورها دارد. بیوتکنولوژی از جمله این پیشرفت هاست که امروزه کشورها برای آن برنامه ریزی های دقیق و مدونی کرده اند. اهمیت این امر در معادلات امنیتی جهان امروز، سوالات زیادی در ذهن ایجاد می کند که آیا ایران به عنوان کشوری مهم در منطقه، سهمی در بیوتکنولوژی دارد یا خیر؟ سهم بیوتکنولوژی در ارتقای امنیت ملی چقدر است؟ استراتژی جمهوری اسلامی

ایران در این زمینه چیست؟ اهمیت فن آوری زیستی در دنیای امروز، اهمیت امنیت ملی کشورها و پاسخگویی به سوالات بی شمار ایجاد شده در این زمینه، باعث پرداختن به موضوع شد.

3- سابقه پژوهش

در بررسی آثاری که به مسئله امنیت ملی پرداخته اند، درمی یابیم که اکثر آنها امنیت ملی را از بعد نظامی بررسی کرده اند و در برخی از آنها نیز به جنبه هایی دیگر از جمله اقتصادی نگریسته اند. اما اینکه به امنیت ملی از منظر فن آوری های جدید از جمله بیوتکنولوژی در ایران پرداخته شود، کاری انجام نشده است و این پژوهش کاری جدید می باشد.

4- سوال اصلی

نقش بیوتکنولوژی در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

5- فرضیه پژوهش

افزایش توانمندی های اقتصادی، دفاعی و امنیتی منجر به ارتقای امنیت ملی می شود. مزیت های اقتصادی، کشاورزی، پزشکی، نظامی - دفاعی و غیره بیوتکنولوژی باعث می شود جمهوری اسلامی ایران به توانمندی های بالایی برسد که ارتقای امنیت ملی را به دنبال دارد.

6- مفاهیم و متغیرها

با توجه به فرضیه پژوهش، مفاهیم و متغیرها عبارتند از:

بیوتکنولوژی: کاربرد روش های علمی و فنی در تبدیل بعضی مواد به کمک عوامل بیولوژیک (میکروارگانیسم ها، یاخته های گیاهی و جانوری و آنزیم ها و...) برای تولید کالا و خدمات در کشاورزی، صنایع غذایی، دارویی، پزشکی و سایر صنایع.

امنیت ملی: در بعد عینی فقدان تهدیدات نسبت به ارزش ها، منافع و اهداف و در جهتی ذهنی، فقدان ترس از این که این بنیان های ملی (ارزش ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیر فیزیکی) واقع بشوند.

متغیر مستقل: دستیابی به بیوتکنولوژی

متغیر وابسته: ساختار - کارگزار

7- سوالات فرعی پژوهش

- الف) مبانی تصمیم گیری در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟
- ب) ساختار نظام بین الملل چه فرصت ها و تهدید هایی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد می کند؟
- ج) جایگاه بیوتکنولوژی در ابعاد جهانی چیست؟
- د) موانع و فرصت های بیوتکنولوژی ایران در ابعاد جهانی چیست؟

8- پیش فرض های پژوهش

تصمیمات نظام های سیاسی از یک سو محفوف به اندیشه ها و ذهنیت کارگزاران است و از سوی دیگر محدود به ساختارهای داخلی و نظام بین المللی می باشد.

9- اهداف پژوهش

- الف) نشان دادن اهمیت بیوتکنولوژی در جهان امروز
- ب) تبیین رفتار جمهوری اسلامی ایران در حرکت کردن به سمت این فن آوری
- ج) تبیین ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با پیشرفت های تکنولوژیکی
- د) تبیین فرصت ها و محدودیت های ساختاری در عرصه بین الملل برای جمهوری اسلامی ایران

10- روش پژوهش

بااستفاده از چارچوب نظری ساختار – کارگزار به تبیین و تحلیل موضوع پرداخته می شود.

11- روش گردآوری اطلاعات

جمع آوری اطلاعات و داده های این پژوهش از طریق فیش برداری از کتب و مجلات علمی و بانک های اطلاعاتی موجود از جمله اینترنت در زمینه امنیت ملی و بیوتکنولوژی صورت گرفته است.

12- سازماندهی پژوهش

این پژوهش از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل شده است. در مقدمه به طرح تفصیلی تحقیق پرداخته شده است. فصل اول، چارچوب نظری است که برای پیشبرد بحث از چارچوب نظری ساختار کارگزار استفاده شده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

فصل دوم شامل دو بخش است: در بخش نخست آن به نظام بین الملل و در قسمت دوم آن نیز به چگونگی تصمیم گیری در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد.

فصل سوم که مبتنی بر چهار گفتار است به کلیات بیوتکنولوژی، بیوتکنولوژی در کشورهای دیگر، جایگاه بیوتکنولوژی در ابعاد جهانی و موانع و فرصت های بیوتکنولوژی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

فصل چهارم پژوهش نیز شامل امنیت ملی، مولفه ها و ابعاد می باشد.

فصل پنجم، فصل نتیجه گیری است که در آن چگونگی و نقش بیوتکنولوژی در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل اول

چارچوب نظری

مقدمه

امنیت ملی مقوله ای مهم برای کشورها به شمار می رود. نگاه دولت ها به این مسئله در تبیین آن بسیار حائز اهمیت می باشد؛ زیرا در حالی که نگاه برخی دولت ها به امنیت ملی نگاهی بیرونی است، برخی دیگر از دولت ها نگاه درونی به آن دارند و از آن برای تحکیم پایه های تسلط خود در داخل کشور و از سر گذراندن بحران های مشروعیت و کم کردن اعتراضات داخلی بهره می جویند.

لازم به ذکر است، همه این دولت ها در عرصه بین الملل و پیشبرد اهداف امنیت ملی خود از سوی ساختار روابط بین الملل با یکسری محدودیت ها و فرصت هایی روبرو می شوند. نظریه ها، دیدگاه ها و مدل های مربوط به رابطه " ساختار و کارگزار " در پی فهم واقع بینانه از تاثیرات آنها بر امنیت ملی، تقابل ها و فرصت ها می باشد.

گیدنز بحث رابطه ساختار و کارگزار، را مطرح کرد اما متفکران روابط بین الملل همچون هالیس، ونت، اسمیت و دیگران آن را وارد عرصه روابط بین الملل کردند. ساختار و کارگزار منطقاً مستلزم یکدیگرند، یعنی یک ساختار اجتماعی یا سیاسی تنها به واسطه قید و بندهایی که بر کارگزاری می زند یا فرصت هایی که برای آن تدارک می بیند، تداوم می یابد. بنابراین، تصور ساختار بدون حداقل تصویری اجمالی از کارگزاری که ممکن است تحت تاثیر آن باشد (محدود شود یا توانگر گردد)، معنا ندارد.¹ از دیدگاه گیدنز، مفهوم کارگزار در ارتباط با قدرت است و کارگزار یعنی " توانایی انسان در انجام کار " و آن شامل انجام ندادن کار هم می شود.

قدرت، مسئله کارگزار است، مسئله نفوذ یا " تاثیر داشتن " بر ساختارهایی که زمینه ها را تعیین می کنند و دامنه امکانات دیگر را مشخص می سازند. این نشان دهنده نیاز به برداشتی رابطه ای هم از ساختار و هم از کارگزار است؛ کارگزاری یک شخص، ساختار شخص دیگر است. بنابر این انتساب دادن کارگزاری، انتساب دادن قدرت است (هم ملی و هم واقعی). کنش های وزیران و حکومت ها ساختارهایی پدید می آورد که

1 دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1378،

کارمندان دولت را محدود می سازد. آثار و نتایج کنش های این کارمندان به همین نحو، بقیه ما را محدود می گرداند.^۲

ونت در باره رابطه ساختار- کارگزار می گوید: مسئله ساختار- کارگزار از دو واقعیت مشخص در زندگی اجتماعی ریشه می گیرد: اولاً، انسان ها و سازمان ها بازیگران هدف مندی می باشند که اقدامات آنها به باز تولید و تحول جامعه ای که در آن زندگی می کنند یاری می رساند؛ ثانیاً جامعه از روابط اجتماعی که سازنده تعاملات میان بازیگران هدف مند می باشد، ایجاد شده است.^۳

رابطه ساختار- کارگزار ذیل یک پدیده ثانوی عقلانی قرار می گیرد که در این رابطه هیچ کدام از طرفین وجودی مستقل از دیگری ندارد. گیدنز هم از دوگانگی ساختار سخن می گوید، حال آنکه به همان نحو دوگانگی عاملیت (انسانی) نیز وجود دارد. دوگانگی با نیروهای خردورز عامل ها، سوپراکتیویزم را نامحتمل می سازد و آن را موقوف به کاربرد ساختارهایی می کند که از قواعد و منابعی تشکیل شده اند که الزام هایی را توانایی می بخشند. ساختارها شکل مفید گذشته هستند، ساختارها حاملین زمان اند، زمان را منتقل می کنند. بنابر این عاملیت بستگی به آگاهی از بازمانده هایی از شیوه ها، ابزار و اسباب انجام امور دارد. تا جایی که به منبع و قاعده و گذشته وابسته شده است (عاملیت) عینیت یافته و می باید سوژه (ذهن) و ابژه (عین = ساختار) را به هم متصل کند.^۴

اما گیدنز به همین نحو ساختارها را با این تلقی که واقعیتی ضمنی اند، ذهنی می بیند؛ یعنی وجود ساختارها حفظ و نگاه داشته می شوند و صرفاً با به کار بستن عملی و آگاهانه آنها توسط عامل ها، نیروی مولدشان ساخته می شود. گیدنز "ساختارها" را هم به عنوان وسیله و هم به عنوان محصول کارگزار تعریف می کند. ساختارها محصول یا همان پیامدها هستند. چون کاربرد آنها توسط عامل ها پیامدهای بازگشتی دارد.^۵

گیدنز راه حلی را برای مسئله کنش گر - ساختار با تمرکز بر شیوه های عمل اجتماعی ارائه می دهد. او به سود آن چه "دوگانگی ساختار"^۶ می نامد استدلال می کند به این معنا که ساختارها هم به دست کنش گران

1 مارش و استوکر، پیشین، ص 307

2 محمد ستوده، تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه بوستان کتاب، 1385، ص 24. به نقل از:

Alexander. E. Wendt, The Agent- Structure Problem in International Relations Theory International organization, 41, (Summer 1987) pp. 3378.

3 جان پارکر، ساختار بندی، ترجمه امیرعباس سعیدی پور، تهران، آشیان، 1383، ص 107.

1 همان.

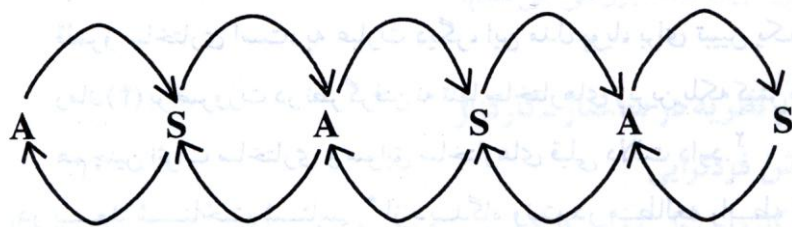
6 Duality of Structure

انسانی به وجود می آید و هم وسیله ای است که چنین کنشی به کمک آن صورت می گیرد. ساختارها را انسان ها ایجاد می کنند، اما آنها هم کنش انسانی را محدود و امکان پذیر می سازند.^۷

از دیدگاه ونت، نظریه های روابط بین الملل دولت را واحدی ذاتاً اجتماعی در نظر می گیرند، از این رو وقتی از جمع گرایی و فرد گرایی یا انواع سطح تحلیل در مطالعه رفتار سیاست خارجی دولت ها استفاده می کنیم به ناچار با مسئله ساختار- کارگزار سروکار داریم. زمانی که از دولت بحث می کنیم، دولت ها مجموعه افرادی هستند که از طریق اقدامات خود بر یکدیگر تاثیر می گذارند.^۸ فریدمن و استار نیز معتقدند: "نظام های سیاسی بین الملل همانند همه نظام های اجتماعی متشکل از ساختار و کارگزار می باشند."^۹ براین اساس، از نظر هستی شناسی مفهوم کارگزار به عامل انسانی بازگشت دارد و در ورای اقدامات، رخدادها و پیامدهای جهان اجتماعی، ما با کارگزار انسانی مواجه هستیم و به صورت صریح با ساختار و کارگزار ارتباط داریم.

ساختارها غالباً به عوامل انسانی اجازه می دهند اعمالی را انجام دهند که بدون وجود این ساختارها نمی توانستند انجام دهند. هر چند گیدنز تاکید بیش از حد بر الزام ساختاری را رد می کند، اما این را نیز می پذیرد که کنشگران در راستای زمان و مکان، ممکن است نظارت بر "صفات ساختاری نظامهای اجتماعی" را از دست دهند. به هر روی، او سعی می کند از تصویر "وبری" قفس آهنین دوری جوید و یاد آور می شود که این نوع از دست دادن نظارت، اجتناب ناپذیر نیست.^{۱۰}

رابطه میان ساختار- کارگزار در طول زمان استمرار دارد و در مسیر پیچیده ای به صورت دیالکتیک بر یکدیگر تاثیر می گذارند. این رابطه را فریدمن و استار به صورت زیر ترسیم می کنند.



در این مدل رابطه حلقوی ساختار- کارگزار در طول زمان نشان داده شده است.^{۱۱}

2 پیتر کیویستو، اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، 1378، ص 202.

3 ستوده، پیشین، ص 24.

9 Fridman and Starr. Op. cit, p. 3.

6 جورج ریترز، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، 1374، ص 705.

1 I ستوده، پیشین، ص 45.

در این مدل رابطه حلقوی ساختار- کارگزار صرفاً محدود کننده نیست، بلکه کارگزار هم امکان تاثیرگذاری بر ساختار را دارد.

از دیدگاه ونت به سوال های موجود در خصوص ساختار- کارگزار از نظر هستی شناسی دو نوع پاسخ داده شده است: " ایجاد واحد تحلیل اولیه یا دادن موقعیت برابر و غیر قابل کاهش به آنها"^{۱۲}؛ به عبارت دیگر، رهیافت هایی که به مسئله ساختار- کارگزار از طریق ویژگی واحد ها و روابط میان آنها پاسخ می دهند در نهایت به سطح واحدها و تقلیل گرایی گرفتار می شوند، در حالی که دادن موقعیت برابر به هریک و مفهومی کردن آنها بر اساس دو معیار مستقل بودن و متغییر بودن، پاسخ مناسبی به مسئله ساختار- کارگزار به شمار می آید.^{۱۳} ونت معتقد است رهیافت های بیان شده را می توان در سه نظریه فردگرایی، ساختار گرایی و ساخت یابی مشاهده کرد. با استفاده از سه نظریه فوق به تبیین مسئله ساختار- کارگزار می پردازیم.

1-1 روش فرد گرایی^{۱۴}

دیدگاه ها و نظریه های کارگزار محور در مباحث ساختار- کارگزار بر اصالت و محوریت کارگزار در مقابل ساختار تاکید می کنند. این نظریه ها بر روش شناسی فردی متکی هستند. نظریه پردازانی چون الستر، با طرح سیستم ذهنی - روانی نقش ویژه ای را به عقلانیت کارگزار می دهد. از نظر وی با تبیین ذهنی، کنش انسان از سایر موجودات متمایز می گردد. رفتار انسان به وسیله هدف و غایت هدایت می شود و بشر می تواند بین احتمالات انتخاب کند.^{۱۵} در روش فردگرایی «توضیحات اساسی پدیده های اجتماعی باید بر مبنای عقاید و اهداف فرد استوار شوند»^{۱۶} و باید برای تبیین پدیده ها به احکام فردی رجوع کرد و همه هویات اجتماعی را می توان بالتمام به مرکباتی منطقی از افراد تحویل نمود. بنابر این رای، هویات اجتماعی، چیزی نیستند به جز مجموعه ای از افراد که نسبت های گوناگونی با هم دارند.^{۱۷}

در نظریه هایی که بر اراده گرایی تاکید دارند می توان محوریت کارگزار را مشاهده کرد. نظریه های انتخاب عقلانی، کثرت گرایان و روش تفسیری بر اراده، قدرت و اختیار کارگزاران در انتخاب و تصمیم گیری تاکید

12 Wendt, the Agent- Structure Problem in International Relations, Theory, p.339.

3 ستوده، پیشین، ص 27.

14 Individualism

1 ستوده، پیشین، ص 27-28.

2 مارش و استوکر، پیشین، ص 134.

3 دانیل لیتل، تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، 1373، ص 312.

دارند. از دیدگاه طرفداران این نظریه ها، کارگزار، عامل و علت اصلی پدیده ها و پیامدهای اجتماعی است؛ از این رو، برای شناخت رفتار کارگزاران در نظام اجتماعی یا بین المللی باید فاعل آنها یا بازیگران را مورد مطالعه قرار داد. از آن جا که دو نظریه انتخاب عقلانی و تفسیری در مطالعه سیاست خارجی و فرایند تصمیم گیری مورد استفاده محققان قرار می گیرد، این دو نظریه را بررسی می کنیم.

1-1-1 نظریه انتخاب عقلانی

کاربرد نظریه انتخاب عقلانی در علوم سیاسی و روابط بین الملل از دهه 1950 اهمیت یافت. بر اساس این نظریه که ابتدا در اقتصاد مطرح شد، " کار فاعلانی عاقلانه است که در چارچوب اعتقادات شان نسبت به شقوق ممکنه و عواقب محتمله شقوق، شقی را بر گزینند که برای رسیدن به غایات شان بهترین راه ممکن باشد.¹⁸

بر اساس این دیدگاه، انسان ها موجوداتی عقلانی هستند و هر یک خواسته ها، تمایلات و ارزش هایی دارند. از دیدگاه گراهام مک دونالد و فیلیپ پیتیت، عقلانیت کارگزار شامل بعد ذهنی و رفتاری می گردد که بر روش شناختی فردی متکی است و روش شناختی جمعی را رد می کند.¹⁹

مهمترین اصل در نظریه انتخاب عقلانی، اصل فایده بخشی است. این اصل به طور منطقی مبتنی بر سه نکته است:

این که فایده تابعی است از متغیر نیکی، و نهایتاً هم ارزش هر نیکی را برای شخص فاعل مشخص می سازد؛

این که عاقلان همواره پیامد هایی را اختیار می کنند که فایده بیشتر داشته باشد؛

این که مقیاس فایده، مقیاس پیوسته است (و لذا قابل ادامه و افزایش است).²

بر این اساس، هدف فاعلان در نظریه اقتصادی به حداکثر رساندن سود و حداقل کردن هزینه است و آن چه باعث کاربرد آن در بسیاری از رفتارهای انسانی می شود، دستیابی به سود بیشتر کارگزاران و بازیگران در سطوح مختلف نهادها و سازمان های سیاسی و اجتماعی است. بر اساس این دیدگاه، تصمیم گیران، کارگزاران عقلانی در نظر گرفته می شوند که همواره در پی ایجاد بهترین تصمیم هستند. از دیدگاه "چارلز لیندبلوم"، مراحل فرایند تصمیم عقلانی به صورت زیر است :

4 همان، ص 70.

1 ستوده، پیشین، ص 29.

2 لیپل، پیشین، ص 71.

تصمیم گیرنده مسئله را شناسایی و مشخص می نماید؛

جهت حل مسئله، اهداف خود را به روشنی تعیین می نماید و آنها را بر حسب اهمیت رتبه بندی می کند؛ تمامی راه ها و خط مشی های ممکن را که در رسیدن به هدف مفید به نظر می رسد، مد نظر قرار می دهد؛ هزینه و سود (نتیجه) حاصل از انتخاب و اجرای هر خط مشی را ارزیابی می کند؛

مجموعه هدف و خط مشی را بر می گزیند که دارای بیشترین سود نسبی و کمترین هزینه نسبی می باشد.^{۲۰} بر اساس نظریه انتخاب عقلی، تعیین اولویت پیامدها و اهداف را فاعلان انجام می دهند. گاهی نوع انتخاب بر اساس اولویت اهداف مشخص می شود، هر چند میزان و درجه اولویت اهداف به خوبی مشخص نباشد. دولت ها نیز همانند افراد در سیاست خارجی بر اساس انواع اهداف و اولویت های هر یک، تصمیم گیری می کنند. در باره به گار گیری و مطالعه فرایند تصمیم گیری در سیاست خارجی بر اساس نظریه انتخاب عقلانی دو مدل "عقلانیت مطلق گرایانه" و "عقلانیت محدود" از اهمیت برخوردارند. بر اساس مدل "اسنایدر"، دولت ها در پی بیشینه سازی و عقلانیت مطلق هستند، اما بر اساس مدل "هربرت سایمون" بازیگران عقلانی به سمت تصمیمات بهینه و رضایت بخش حرکت می کنند.^{۲۱} در باره مدل عقلانیت محدود می توان گفت: مبنای تصمیم گیری در سیاست خارجی واقعیت های موجود است، بدین معنی که ضمن ارزیابی دقیق امکانات واحد سیاسی از برنامه ریزی آرمانی برای تحقق اهداف و تامین منافع ملی دوری کرده، استراتژی های خود را با توجه به اوضاع محیط داخلی و بین المللی تنظیم می کند.^{۲۲}

پاسخ نظریه انتخاب عقلانی به مسئله ساختار- کارگزار فرد گرایانه است، زیرا بازیگرانی را در نظر می گیرد که در پی حداکثر سود هستند.^{۲۳} از این رو رهیافت عقلانی تا زمانی که فرد گرایانه است نمی تواند راه حل مناسبی برای مسئله ساختار- کارگزار ارائه کند. در عین حال این امر باعث تقلیل ارزش این نظریه نمی شود.^{۲۴}

1-1-2 نظریه تفسیری (تفهیمی)

از نظرات ماکس وبر برای تبیین نظریه تفسیری می توان استفاده کرد. وبر بر تقدم کارگزار بر ساختار تاکید دارد. وی انسان را به لحاظ هدف مندی و آگاه بودن، از سایر موجودات و طبیعت متمایز می سازد و هدف از

1 محمد حسین خوشوقت، تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، 1375، ص 96.

2 سید حسین سیف زاده، مبانی و مدل های تصمیم گیری در سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، 1375، ص 174.

3 عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: سمت، 1377، ص 54.

4 ستوده، پیشین، ص 31.

5 مارش و استوکر، پیشین، ص 157-136.

جامعه شناسی را درک تفسیری از کنش اجتماعی می داند. ذهن، ارزش ها و باورهای انسان یا کارگزار مد نظر ویر می باشد. بر اساس روش تفسیری، افعال فردی و اجتماعی، ناشی از معانی ذهنی کارگزارانی است که صاحب رای و اندیشه و کنش بر اساس آن هستند. دانیل لیتل در باره تفاوت نظریه عقلانی و تفسیری می گوید: مدل تبیینی اختیار عاقلانه، تصویری تنگ مایه و متنوع از فاعلیت دارد و تاکیدش بیشتر بر اغراض مادی و عقلانیت ابزاری و باورهای مولد و مسبب عمل است؛ در حالی که توصیفاتی دیگر از فاعلیت فرد هم می توان داد که شامل شرح مبسوط ارزش ها، مبانی، نحوه فکر و جهان بینی فرد باشد و مدعای اصلی علم الاجتماع تفسیری همین است که برای درک بهتر رفتار فردی و جمعی، داشتن شناخت بیشتری از علیت لازم است. هدف تفسیر، فهم پذیر ساختن فعل و رفتار است، یعنی روشن کردن معنای آن عمل در نظامی از نهادها و تصویرهای معنی دار فرهنگی.^{۲۵}

از دیدگاه "فریدمن" و "استار" اگر محققان علاقه مند به فهم چرایی رفتار دولت ها هستند باید از رفتارهای خاص ظاهری فراتر روند و درباره این که چرا دولت ها مسلح می شوند و وارد جنگ می شوند یا به مذاکره می پردازند، به معانی و مفاهیم ذهنی مراجعه کنند. برای مطالعه رفتار دولت ها بر اساس روش تفسیری، مدل بین ذهنی می تواند کارایی بالایی داشته باشد.

این مدل متفاوت از رهیافت واقع گرایی و معرفت شناختی اثباتی است، زیرا اثبات گرایان بر عین و رفتار مشاهده پذیر تاکید دارند، ولی مدل بین ذهنی بر شناخت ذهنی و فرایندهای ادراکی توجه دارد. متفکرانی چون هالیس و اسمیت به بررسی این تمایزات پرداخته اند. بر این اساس، سیاست بین الملل می تواند بر حسب تحلیل بین ذهنی کارگزاران فهمیده شود. تصورات، ایستارها، ارزش ها و باورها، به عنوان اجزای تشکیل دهنده تعیین وضعیت، بر چگونگی و هدایت رفتار سیاست گذاران و تصمیم گیران حاکم هستند. افراد بر حسب تصورات خود از محیط کنش و واکنش نشان می دهند و در سیاست گذاری و تصمیم گیری، تصورات و ارجحیت های ذهنی نقش اساسی را ایفا می کند. هالستی در توضیح تصور می نویسد:

1 لیتل، پیشین، ص 116.

2 ستوده، پیشین، ص 32.

درک افراد از هدف، واقعیت یا شرایط، ارزیابی آنان در مورد این هدف، واقعیت یا شرایط بر پایه خوبی یا بدی، دوستانه یا خصمانه بودن یا ارزش آن، و مفهومی که این افراد ریار هدف، واقعیت یا شرایط مزبور قائلند یا از آن استنتاج می کنند (تصور را می سازد)^{۲۶}

عامل دیگری که می تواند به مثابه چارچوبی از مفروضات برای سنجش دوستی یا دشمنی، اعتماد یا عدم اعتماد در روابط میان کشورها به کار می رود، ایستارها^{۲۷} هستند. ایستار ممکن است بر چگونگی واکنش سیاست گذاران در برابر اقدامات، علامت ها و درخواست های دیگر دولت ها، تصورشان از نیات سایر حکومت ها و تعیین هدف هایشان در مقابل دیگران، تاثیرات مهمی داشته باشد.^{۲۸}

ارزش های مورد نظر کارگزار نیز نقش اساسی را در فرایندها و پیامدهای تصمیمات فردی و اجتماعی ایفا می کند و در مقابل، تهدید ارزش ها می تواند مبنایی را برای وظایف کارگزار و سلسله مراتب اولویت ها در اهداف مشخص سازد.

عامل دیگری که در تصمیم گیری سیاست خارجی نقش بسزایی دارد "باورها" هستند. از دیدگاه هالستی، "باور فرضیاتی هستند که سیاست گذاران معتقدند حقیقت دارد، حتی اگر غیر قابل واریسی باشند."^{۲۹} بر اساس باورها، رفتارهای سیاسی شکل می گیرد و دولت ها در مسائل و روابط با یکدیگر موضع گیری می کنند.^{۳۰}

1-2 روش جمع گرایی (کل گرایی)

نظریه های ساختار گرایی، در تقابل با نظریه های کارگزار محور، در تبیین کنش اجتماعی و رفتار سیاست خارجی دولت ها، اصالت را به ساختار می دهند و از نظر روش شناسی بر جمع گرایی یا کل گرایی تاکید دارند. در علوم اجتماعی دیدگاه های ارگانیک بر کل گرایی تکیه دارد و شناخت اجزا را به کل مرتبط می سازد. جامعه شناسی دورکیم نیز بر تقدم جامعه و کل بر فرد و اجزای آن تاکید دارد. وی جامعه را مانند بدن انسان یک سیستم ساختی - کارکردی می دانست که اجزای آن از طریق تعامل، مبادله، تنظیم و تعدیل دوسویه، ویاری

I کی، جی، هالستی، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی،

1373، ص 558.

فرضیاتی کلی برای سنجش هدف، واقعیت یا شرایطی خاص می باشند. Attitudes 2

2 همان، ص 561.

4 همان، ص 563.

5 ستوده، پیشین، ص 33.

رساندن به یکدیگر مشارکت لازم برای بقا و حیات کل را به انجام می رسانند. ساختارها (اجزاء) بر حسب تاثیرات یا کارکردهایشان، یعنی بر حسب خدمتی که به سیستم می کنند، تحلیل و بررسی می شوند.^{۳۱}

دورکیم اذعان می دارد که "پدیده های اجتماعی را باید در حکم اشیای واقعی در نظر گرفت. خصیصه پدیده اجتماعی آن است که اجباری بر افراد وارد می کند."^{۳۲} در این دیدگاه، ساخت اجتماعی به مثابه واقعیت عینی در نظر گرفته می شود و مسئولیت خاصی را بر هر فرد تحمیل می کند و از این رو، ساختارها نقش محدود کننده ای ایفا می کنند، به عبارت دیگر، در کل گرایی و ساختار گرایی "تیین ها بر حسب انگیزه ها، اراده ها، راهبردها و کنش های کارگزاران بنا نشده اند، زیرا اینها به عنوان محصول صرف ساختارهایی که در نهایت تعیین کننده اند، نگریسته شده اند."^{۳۳} نظریه های کل گرایی نمی تواند پاسخ مناسبی برای مسئله ساختار-کارگزار فراهم می سازد، زیرا ویژگی ها و خصلت های کارگزاران را در نظر نمی گیرد و یا دستخوش تقلیل گرایی قرار می گیرد.^{۳۴} نظریه مهم نواقع گرایی نیز با همین نقیصه روبرو می باشد.

از دیدگاه والتز، تفاوت نظام داخلی با نظام بین الملل در این است که در نظام بین المللی قدرت فائقه نداریم و در این محیط، مهم ترین هدف دولت ها دستیابی به امنیت از طریق خودیاری است. بر این اساس، وظیفه و کارکرد دولت ها یکسان است. تفاوت دولت تنها در اصل سوم یعنی نحوه توزیع قدرت میان بازیگران می باشد. والتز در این زمینه اظهار می دارد:

دولت هایی که واحدهای نظام های سیاسی بین المللی می باشند بر حسب وظایفی که انجام دهند، صریحاً از یکدیگر متمایز نمی شوند؛ آنارشی شامل روابط هماهنگی میان واحدهای نظام و آن چه باعث همانندی آنها می شود، می باشد. واژه دیگر برای مشخص کردن ساختار سیاسی بین المللی مورد نیاز نمی باشد، زیرا مادامی که آنارشی استمرار دارد دولت ها، واحدهای مشابه باقی می مانند.

بر اساس این دیدگاه، تا زمانی که اصل آنارشی بر نظام بین الملل حاکم است تحولات ساختاری مشاهده نمی شود، مگر اصل آنارشی جای خود را به اصل دیگری مانند سلسله مراتبی بدهد، از این رو، تحولات ساختاری نظام بین الملل را می توان بر حسب تحول در توزیع قدرت میان بازیگران اصلی در نظر گرفت.

1 راب استونز، پیشین، ص 78.

2 ریمون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1370، ص 392.

3 مارش و استوکر، پیشین، ص 310.

4 ستوده، پیشین، ص 34.

از دیدگاه ونت، نظریه نو واقع گرایی در پاسخ به مسئله ساختار- کارگزار از پویایی لازم برخوردار نیست و باید یک نظریه اجتماعی از دولت ارائه دهد. به نظر دسلر نیز نو واقع گرایی با استفاده از اقتصاد خرد، دستخوش تقلیل گرایی می شود و نمی تواند در رابطه میان ساختار- کارگزار از کارایی لازم برخوردار باشد. از دیدگاه دسلر، تعرف ساختار به توزیع قدرت میان واحدها کافی نیست، بلکه باید به نقش قواعد هم در کنش اجتماعی توجه کرد. از دیدگاه فریدمن و استار، نو واقع گرایی در بحث خود با تقلیل گرایی مواجه است. به اعتقاد آنها، گرچه در ساختار نظام بین الملل، آنارشی نقش مهمی بازی می کند، اما قدرت و توانایی ها دارای نقش بیشتری هستند، زیرا دولت های قوی، توان و امکان بیشتری را برای دستیابی به اهداف شان دارند. از سوی دیگر، نظریه نو واقع گرایی در تبیین تحولات بین المللی ناتوان است، زیرا تحول را تا حد زیادی به نحوه توزیع قدرت نسبت می دهد و از سایر زمینه های ایجاد تحول غفلت می کند.^{۳۵}

همچنین ونت در بررسی مقایسه ای نظریه های ساختاری والتز و نظام جهانی والرشترین به موارد تشابه و اختلاف آنها می پردازد. از دیدگاه وی هر دو نظریه تلاش می کنند تا رفتار دولت ها را در سطح بین الملل توضیح دهند، ولی نوع بحث ساختاری آنها متفاوت است. ونت معتقد است نظریه ساختاری والتز از نظر هستی شناسی فرد گرایانه است، در حالی که نظریه اقتصاد جهانی در قلمرو کل گرایی قرار دارد. ونت می نویسد: " یک شیوه موثر جهت فهم ماهیت و مفاهیم این تفاوت، ارزیابی دونظریه برحسب فرضیه های اساسی آنها درباره رابطه ساختارهای نظام باکارگزاران انسانی می باشد."^{۳۶}

بر اساس نظریه ونت، در حالی که دیدگاه های ساختاری تلاش می کنند به مسئله ساختار- کارگزار پاسخ دهند، اما در این زمینه کارایی لازم را ندارند زیرا:

علی رغم تفاوت های اساسی بین آنها، هر یک از این رهیافت ها، به مسئله ساختار- کارگزار از نظر هستی شناسی با تبدیل کارگزاران دولتی یا ساختارهای نظام به واحد های اولیه پاسخ می دهند.^{۳۷}

1 همان، ص 37.

36 Wendt .op. cit.p. 336.

2 ستوده، پیشین، ص 39.

1-3-1 روش تعاملی ساختار - کار گزار

1-3-1 نظریه ساخت یابی

به احتمال قوی موثرترین نوشته درباره مسئله ساختار- کارگزار در نظریه اجتماعی و سیاسی، نظریه ساخت یابی آنتونی گیدنز است. این نظریه یک تلاش نظری بلند پروازانه جهت فراتر رفتن از دوگانه انگاری ساختار و کارگزار (تفکیک سرسختانه ساختار و کارگزار به گونه ای که به عنوان جنبه های مستقل و از نظر تحلیلی جدایی پذیر جهان اجتماعی دیده می شوند و نه به عنوان آنچه به لحاظ درونی مرتبط و به نحو متقابل، سازنده یکدیگرند) است. گیدنز مفهومی از دوگانه انگاری^{۳۸} را مبتنی بر اینکه ساختار و کارگزار دو روی یک سکه اند، بر مفهومی مبتنی بر اینکه ساختار و کارگزار ارتباط بیرونی دارند (دو سکه مجزا که بعضاً با یکدیگر برخورد دارند) ترجیح می دهد.^{۳۹}

ساختار به عنوان " صفات ساختار دهنده ای (قواعد و منابع) تعریف شده که اجازه می دهند عملکردهای اجتماعی مشابه و قابل تشخیص در راستای پهنه های متغیر زمان و مکان وجود داشته باشند و به این عملکرد ها صورت نظام داری می بخشند."^{۴۰} از نظر گیدنز، تبیین پدیده های اجتماعی صرفاً با استفاده از کارگزاران هدف مند و بدون توجه به ساختارها یا با استفاده از بحث از نهادها و ساختارها بدون لحاظ کردن اراده و انگیزه های کارگزاران نادرست است، زیرا پدیده های اجتماعی تک علتی و ساده نبوده و به صورت چند متغیره و در فرایند تعاملی پیچیده ای قرار می گیرند. از دیدگاه وی، ساختارها و کارگزاران از یکدیگر جدایی ناپذیر هستند و در هر تحلیل اجتماعی باید به هر دو توجه کرد.^{۴۱}

گیدنز با ارائه مفهوم ساخت یابی، ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی را مطرح می سازد. در این چهار چوب، تولید و باز تولید جامعه به عنوان انجام و اتمام ماهرانه از جانب کنشگران اجتماعی نگریسته شده است. بنابر این، اعمال و فرایندهای اجتماعی " به وسیله مهارت های سازنده و فعالانه اعضاء (جامعه) آن گونه که کنش گران به لحاظ تاریخی قرار گرفته اند، و نه تحت شرایط انتخابی خودشان، ایجاد شده اند."^{۴۲} این نکته

38 Dualism

4 مارش و استوکر، پیشین، ص 315-314.

1 ریتزر، پیشین، ص 704.

2 ستوده، پیشین، ص 39.

3 مارش و استوکر، پیشین، ص 315.

گیدنز را به سوی به رسمیت شناختن دوگانگی ساختار سوق می دهد، که مرادش از آن، این است که " ساختار های اجتماعی ساخته کارگزاری انسان هستند ولی در عین حال، ابزار و وسیله این ساخت نیز هستند." ۴۳

گیدنز نظام اجتماعی را به عنوان عملکردهای اجتماعی باز تولید شده یا " روابط باز تولید شده میان کنشگران یا جمع هایی که به صورت عملکردهای اجتماعی با قاعده سازمان گرفته اند" تعریف می کند. بدین سان، مفهوم نظام اجتماعی گیدنز از توجه شدید او به عملکرد سر چشمه می گیرد. نظام های اجتماعی ساختار ندارند، اما صفات ساختاری را به نمایش می گذارند. ساختارها خودشان در زمان و مکان وجود ندارند، اما در نظام های اجتماعی به صورت عملکردهای باز تولید شده نمایانده می شوند. هر چند برخی از نظام های اجتماعی ممکن است محصول کنش نیت مند باشند، اما گیدنز بیشتر بر این واقعیت تاکید دارد که چنین نظام هایی غالباً پیامد های پیش بینی نشده کنش های انسانی اند. این پیامد های پیش بینی نشده ممکن است به هر گونه کوششی در جهت تحت نظارت در آوردن آن تن در ندهد؛ اما با این همه، کنش گران از کوشش شان برای اعمال نظارت بر این شرایط دست بر نمی دارند. بدین سان، ساختارها در نظام های اجتماعی "خود را نشان می دهند." ۴۴

پس، ساختاربندی مبتنی بر این تصور است که " عوامل و ساختارها دو رشته پدیده های موجود جدا از هم نیستند، بلکه وجود واحد دوگانه ای را به نمایش می گذارند. صفات ساختار نظام های اجتماعی هم واسطه و هم پیامد عملکردهایی اند که به گونه ای بازگشتی سازمان می گیرند" یا " لحظه تولید کنش، لحظه باز تولید زمینه های تصویب روزمره زندگی اجتماعی نیز است. " آشکار است که ساختاربندی مستلزم رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است. ساختار و عاملیت یک واقعیت دو وجهی است که هیچ کدام بدون دیگری نمی تواند وجود داشته باشد. ۴۵

ونت ساختارهای ایجاد کننده کارگزاران را شامل ساختارهای خارجی یا اجتماعی و ساختارهای داخلی یا سازمانی می داند. از طریق ساختارهای سازمانی یا داخلی می توان قدرت و منافع کارگزاران را توضیح داد؛ کارگزارانی که از بعد نظری و ذهنی توان تصمیم گیری و ارائه دلیل برای رفتار خود را دارند. از سوی دیگر، این ساختارها به ساختارهای اجتماعی یا خارجی که کارگزاران در آن فعالیت می کنند، وابسته اند. ساختارهای اجتماعی شرایط بقا و کنش کارگزار(دولت) را ایجاد می کنند. برای تبیین کنش اجتماعی یا رفتار دولت باید به

4 همان.

1 ریترز، پیشین، ص 706-705.

2 همان، ص 706.

هر دو ساختار توجه کرد. از دیدگاه ونت، نظریه ساخت یابی راه حلی برای مسئله ساختار- کارگزار و جبران ضعف های نظریه فردگرایی و ساختار گرایی محسوب می شود. وی معتقد است:

نظریه ساخت یابی تلاش می کند تا جنبه های اصلی و مربوط به ساختار گرایی را حفظ نماید، در حالی که گام های روش شناسی و مفهومی روشن جهت رفع جدایی تحلیلی ساختارهای اصلی از یافته های خود و کنش های کارگزاران انسانی برای جلوگیری از تجسم ساختاری بر می دارد.^۶

1-3-2 واقع گرایی انتقادی

تلاشی دیگر در جهت غلبه بر دوگانه انگاری ساختار و کارگزار را که مبتنی بر فهم دیالکتیکی رابطه این دو است، می توان در اثر "روی بسکار" و در رهیافت رابطه ای - راهبردی^۷ مرتبط با آن که به وسیله "باب جسوپ" شرح و بسط پیدا کرده، یافت. به رغم مشابهت های آشکار با نظریه ساخت یابی، واقع گرایان انتقادی از نقطه آغازی ساختارگرایانه تر به دوگانه انگاری ساختار و کارگزار نزدیک می شوند، یعنی وجود لایه های ساختار را مطرح می کنند که تعیین کننده کارگزار است و سلسله راهبردهای بالقوه ای را که ممکن است به وسیله کارگزاران (چه فردی و چه گروهی) در تلاش جهت تحقق نیات شان به کار رود، مشخص می سازند. بدین معنا، واقع گرایی انتقادی تبیینی از خارج یا ساختار محور، از رابطه میان ساختار و کارگزار می باشد. با این همه، این دیدگاه دیالکتیکی ساختار و کارگزار بدون شباهت به دیدگاه گیدنز نیست. در واقع بسکار با پیشنهاد این که "جامعه هم شرط همیشه حاضر (علت مادی) و هم نتیجه مستمراً باز تولید شونده کارگزاری انسانی است"، به مفهوم دو گانگی ساختار نزدیک می شود.^۸ از دیدگاه وی، جامعه محصول غیر مشروط کارگزاران انسانی می باشد (اراده گرایی)، اما مستقل از آن هم وجود ندارد (تجسم گرایی)، و کنش فردی نه کاملاً تعیین بخش آن است (فرد گرایی) و نه توسط اشکال اجتماعی کاملاً تعیین می شود (جبر گرایی).^۹

نظریه رابطه ای - راهبردی جسوپ نیز شباهت بسیار به نظریه گیدنز دارد. از نظر جسوپ "شکل دولت، تبلور رهیافت های گذشته و مزیت دادن به برخی رهیافت های جاری دیگر است. دولت به عنوان یک عرصه

3 ستوده، پیشین، ص 41.

47 Strategic-Relational

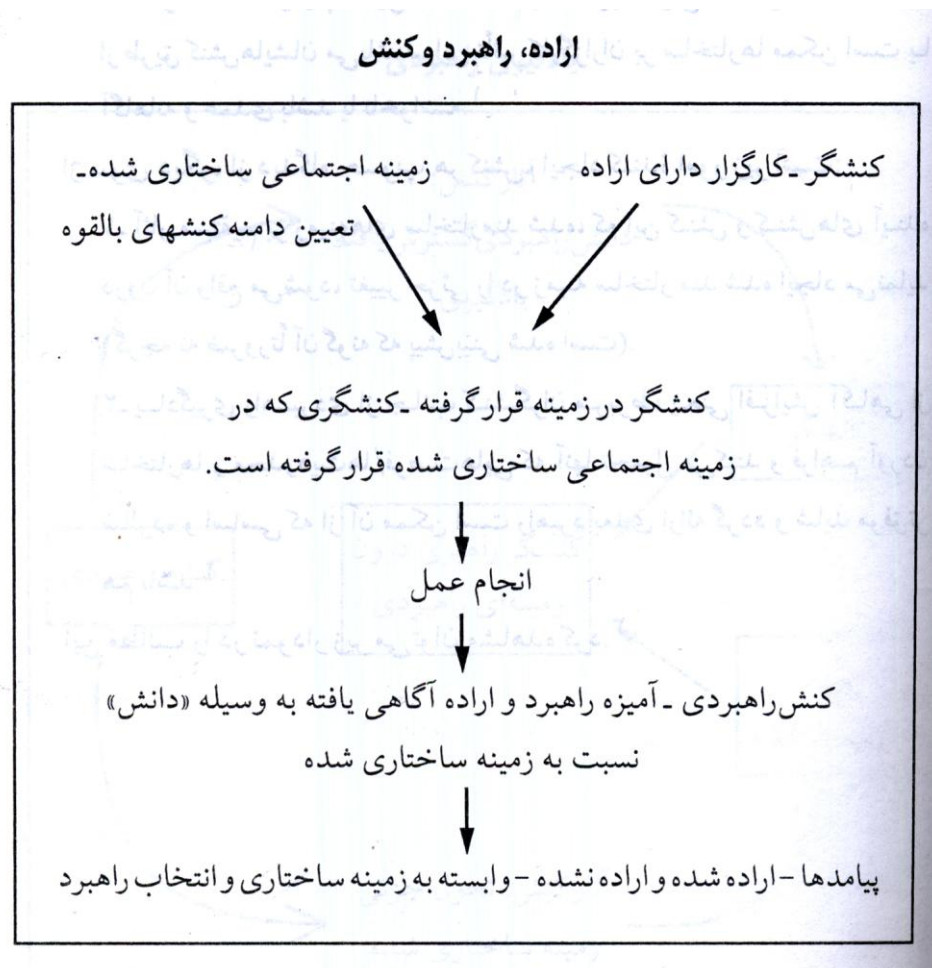
2 مارش و استوکر، پیشین، ص 318.

3 ستوده، پیشین، ص 41.

راهبردی، درون یک دیالکتیک پیچیده ساختارها و راهبرد ها قرار گرفته است.^{۴۰} مارش و استوکر، راهبرد و راه های نیل به هدف را چنین بیان می کنند:

وقتی اراده یا انگیزه به سمت وظیفه ای مشخص جهت گیری شود راهبرد به دست می آید. راهبرد مستلزم انتخاب اهداف و جست و جوی مناسب ترین ابزار و وسایل جهت رسیدن به آن اهداف در زمینه ای خاص و در لحظه ای خاص از زمان است. راهبردهای مناسب با توجه به عامل زمان تغییر می کنند؛ بنابراین کارگزاری محصول راهبرد و اراده است.^{۴۱}

نمودار زیر مطالب فوق را ترسیم می کند.^{۴۲}



4 مارش و استوکر، پیشین، ص 318.

1 همان، ص 305.

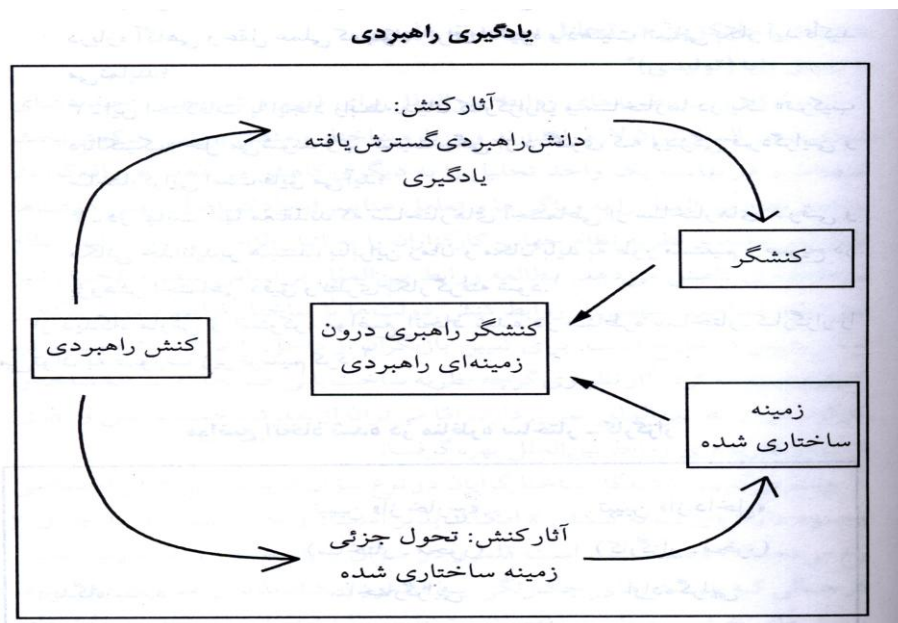
2 همان.

بر اساس نظر جسوپ، امکان نگرستن به محدودیت ها به عنوان منابع نیز وجود دارد، هر محدودیت مستلزم فرصت هست.^{۵۳} وی کنش راهبردی را چنین تبیین می کند:

تعامل دیالکتیک کنشگران صاحب اراده و آگاه ولی در عین حال محاط شده توسط ساختار،^{۵۴} و زمینه های از پیش شکل گرفته ای (ساختار مند شده) که آنها در آن ساکن اند. هر چند کنش ها درون محیط های ساختمند شده تحقق می یابند، ولی کنش گران همه دارای پتانسیل (دست کم به طور جزئی) تغییر آن ساختارها از طریق کنش هایشان می باشند. این تاثیر کارگزاران بر ساختارها ممکن است یا آگاهانه و عمدی باشد یا ناخواسته.^{۵۵}

از سوی دیگر، از دیدگاه جسوپ هر کنش، ایجاد کننده امور زیر است:

آثار مستقیم بر زمینه های ساختارمند شده، که این کنش و کنش های آینده درون آن واقع می شود، تغییر جزئی را در زمینه ساختارمند شده ایجاد می نماید (گرچه نه ضرورتاً آن گونه که پیش بینی شده است). یادگیری راهبردی از جانب کنش گران مربوط، یعنی افزایش آگاهی از ساختارها و محدودیت ها، فرصت هایی که آنها تحمیل می کنند و فراهم آوردن شالوده و اساسی که از آن ممکن است راهبرد بعدی ارائه گردد و شاید موفق تر هم باشد.^{۵۶} این مطالب در نمودار زیر ترسیم شده است.^{۵۷}



1 همان، ص 320.

54 Structurally Embedded

3 همان.

4 همان، ص 321.

5. همان ص 322.

از دیدگاه ونت، نظریه پردازان ساخت یابی با وجود تفاوت های نظری، در چهار هدف تحلیلی مشترکند که می تواند تعیین کننده محور برنامه پژوهشی ساخت یابی محسوب شود. این اهداف عبارتند از:

آنها بر خلاف فرد گرایان، واقعیت و اهمیت تبیین ساختارهای اجتماعی غیر قابل کاهش و مشاهده ناپذیر بالقوه ای را که ایجاد کننده کارگزاران هستند، می پذیرند؛

آنها بر خلاف ساختار گرایان با کارکرد گرایی مخالف اند و بر نیاز به یک نظریه در باره آگاهی و عقل عملی که بتواند برای انگیزه و ذهنیت انسانی به کار آید تاکید می نمایند؛

این اختلافات با ایجاد رابطه میان کارگزاران و ساختارها در یک "ترکیب دیالکتیک" حل می شوند و بر تبعیت یکی از دیگری که ویژگی فردگرایی و ساختارگرایی است، فایق می آید؛

در نهایت آنها معتقدند که ساختارهای اجتماعی از ساختارهای موقتی و مکانی جداناپذیر هستند، بنابر این زمان و مکان باید به طور مستقیم و صریح در پژوهش اجتماعی دقیق و نظری به کار گرفته شود.⁵⁸

1-4 چارچوب نظری ساختار - کارگزار در تحلیل بیوتکنولوژی و امنیت ملی ج.ا.ا.

بررسی ها درباره نظریه ساختار- کارگزار نشان داد که نه می توان مانند کل گرایان و اجتماع گرایان تنها ساختارها را در تحلیل نظام بین الملل مدنظر داشت و گفت کارگزار محصول ساختار است. و نه مانند فردگرایان، نقش کارگزار را برجسته کرد و ساختار را تنها محصول کنش انسانی دانست. چون هر دو گروه در دام تقلیل گرایی افتاده اند. نظریه نواقع گرایی والتز نیز به تنهایی نمی تواند کارگشا باشد زیرا آن نیز از دام تقلیل گرایی مصون نمانده و تغییر در ساختار نظام بین الملل را جز با تحول توزیع قدرت میان بازیگران اصلی میسر نمی داند.

برای پیشبرد بحث در این پروژه، ما ناچاریم که نگاه بینابینی به مسأله ساختار کارگزار در تبیین مسأله بیوتکنولوژی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم. یعنی ساختار- کارگزار بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. از آن جایی که قدرت فائقه بین المللی وجود ندارد و دولت ها بازیگران اصلی صحنه بین الملل هستند و ناچار به خودیآوری در رسیدن به منافع ملی شان می باشند پس می توان گفت در مقابل محدودیت های ایجاد شده توسط ساختار نظام بین الملل، بازیگران هم می توانند با بازی قدرت خود فرصت های مناسبی را برای خود در این ساختار بوجود بیاورند، و از فرصت های ایجاد شده جهت رسیدن به منافع ملی خود برای تقویت امنیت ملی شان بهره برداری کنند.

1 ستوده، پیشین، ص 45-46.

اما ارتقای امنیت ملی، مقوله ای بسیار مهم برای دولت ها به شمار می رود. یکی از مؤلفه هایی که باعث تحکیم پایه های امنیت ملی می شود، پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی است. تحولات عرصه تکنولوژی تأثیرگذاری مستقیم بر معادلات امنیتی دارد. بیوتکنولوژی به عنوان یکی از هفت دانش کلیدی جهان، درون این مقوله قرار دارد. لذا پیشرفت در بیوتکنولوژی می تواند به «برتری» منجر شود که تقویت امنیت واحد سیاسی را به دنبال دارد.

کارگزاران جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به این برتری، ابتدا باید هدف خود را مشخص کرده و راه های رسیدن به آن را با بررسی و طرح استراتژی مناسب، ترسیم کنند. آنان می توانند با تقویت محیط داخلی خود و بهره گیری از فرصت های بیرونی، محدودیت های ساختاری وارد شده از سوی نظام بین الملل را از سر بگذرانند.

جمع بندی

توجه به نظریات متفکران ساختار گرایی نشان داد که فردگرایان در تحلیل های خود بر اصالت کارگزار در مقابل ساختار تاکید دارند. نظریه پردازان کارگزار محور، نقش ویژه ای را برای عقلانیت کارگزار قائل هستند و بر اراده، قدرت و اختیار کارگزاران در تصمیم گیری ها تاکید دارند.

ساختارگرایان در تقابل با نظریه های کارگزار محور، بر تقدم جامعه و کل بر فرد و اجزای آن تاکید دارند. به زعم آنان پدیده های اجتماعی اموری اجباری اند. این نظریات، به دلیل عدم توجه به خصایص کارگزاران در دام تقلیل گرایی گرفتار می شوند.

اما دسته دیگر بر تعامل ساختار-کارگزار تاکید دارند. ساختار بندی مستلزم وجود رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است. ساختار و عاملیت یک واقعیت دو وجهی است که هیچ کدام بدون دیگری نمی توانند وجود داشته باشند. لزوم وجود این دو با یکدیگر است که برای هم ایجاد فرصت و تحدید می کنند و رابطه بین آنها یک سویه نیست.

لذا در این پژوهش نیز از نظریه تعاملی ساختار-کارگزار برای تحلیل چگونگی تاثیر بیوتکنولوژی بر ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران استفاده خواهیم کرد.